



هیچ ملتی پیدانمی شود که سرمایه گذاری استراتژیک برای بالابردن موازنه ها با دیگران را به حساب «سود» یا «زیان» اقتصادی بگذارد



و به جای اینکه قدرت را از هسته ای بگیریم در اقتصاد قدرت می شدیم همان کاری که ژاپن یا آلمان انجام دادند. به آقایان سلام برسانید و بگویید در سرمایه گذاری اقتصادی آلمان و ژاپن انرژی هسته ای در راس بود. هم آلمان و هم ژاپن پیش از آغاز جنگ جهانی به صنعت هسته ای روی آور دند و زمینه های لازم را برای توسعه اقتصادی معجزه آسای خود در دنیا بعد از جنگ تضمین کردند. من واقعاً نمی دانم مبنای علمی بحث های این آقایان را در کجا باید جست و جو کرد. به حقیقت مانده ام که دریا بم آقایان چگونه توسعه اقتصادی را در غیبت امنیت استراتژیک کشور تصور می کنند؟ چگونه آنها توسعه انرژی هسته ای را نه یک ضرورت پیوسته توسعه اقتصادی بلکه یک پدیده متضاد با آن می بینند. اینها در عالم تخیلات خود صنعت هسته ای را ضرر می دانند چون آقای خاتمی تعلیق کرد آقای احمدی نژاد دایر کرد پس یا خاتمی در دست می گوید یا احمدی نژاد در واقع نظر ایشان را در چار چوب های سیاسی می گویند در حالی که دنیا وسیع تر از این حرف هاست. در حالی که زمانی که تعلیق بودیم ما را تهدید به جنگ می کردند اما زمانی که تعلیق شکسته شد پای میز مذاکره آمدند و روابط بین الملل در واقع همین است که با ایجاد موازنه با رقیبان نگذارید به شما زور گفته شود. اصلاً می توان با توجه به تاریخ و منطقه و فرهنگ و دشمنان و... ایران را با برخی کشورهای اروپایی یا پیشرفته مقایسه کرد؟

این مقایسه قیاس مع الفارق است. آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم شکست خوردند اما ما در جنگ شکست نخوردیم. آلمان و ژاپن اولاً بر نامه هسته ای خود را قبل از جنگ شروع کرده بودند و هیتلر تقریباً به بمب اتم رسیده بود و ژاپن هم راکتور های اتمی خود را ساخته بود. راکتور اتمی و بر نامه هسته ای هم جزو برنامه ها و سرمایه گذاری های اقتصادی است. چون سود اولیه آن تولید انرژی است و در واقع به قوی کردن اقتصاد هم کمک می کند. ما دشمن تر اشی نمی کنیم و می خواهیم در برابر دشمن های موجود باز دار ندگی ایجاد کنیم که همین می تواند به شکوفاشدن اقتصاد و رشد سرمایه گذاری نیز کمک زیادی داشته باشد. امنیت شرط اول اقتصاد است. چرا آمریکا برای توان نظامی خود این همه خرج می کند در حالی که رقیبی به نام شوروی ندارد؟ چرا اسرائیل تمام موجودیت خود را برای باز دار ندگی نظامی هزینه می کند؟ این حرفها عوامانه است و جنبه خود شکست دادن دارد. از این حرفها آن کسی خوشحال می شود که تلاش می کند تا ما صنعت هسته ای نداشته باشیم. آیا آن فرد دوست ما است؟ یا دشمن رسمی و علنی ما که ثابت کرده است نه تنها در کار سیاست های مستقلانه رژیم پیشین ایران آن همه اخلاص گری کرد و می خواهد که نظام جمهوری اسلامی در ایران بر چیده شود چون از حماس و حزب ا... علیه اسرائیل حمایت می کند. و اما روشنفکران سنتی ما می دانند علت اصلی و ابدی دشمنی اسرائیل با ایران همین حمایت استراتژیک تهران از دشمنان فلسطینی اسرائیل است. صنعت هسته ای ما را سبب دشمنی اسرائیل می دانند انگار که ایران در غیاب صنعت هسته ای به حماس و حزب ا... کمک رساند اسرائیل دیگر هیچ دشمنی با ایران نخواهد داشت. خیر! من بر این عقیده هستم که این روشنفکران سنتی این اندازه درایت دارند که در ک کنند علت اصلی و ابدی دشمنی اسرائیل با ایران انرژی هسته ای نیست بلکه همین مسئله فلسطین و پشتیبانی های استراتژیک ایران از فلسطینی ها است، ولی برای آنها نق زدن در زمینه صنعت هسته ای ایران آسان تر است و آنان حتی جرات فکر کردن به طرح انتقادهای جدی علیه استراتژی حمایت های استراتژیک جمهوری اسلامی نسبت به حماس و حزب ا... را هم ندارند.

به دلیل حسادت و رقابت و ترس یک حقیقت پیوسته و جدایی ناپذیر عالم روابط انسانی است. دشمن بودن در دنیای امروز یک حقیقت غیر قابل انکار است و اگر بخواهید کوتاه بیاوید فقط فرصت یابی دشمن و ضربه پذیری خود را بیشتر کرده اید.

**برخی می گویند اگر ما با سازش جلو برویم هزینه کمتری به لحاظ اقتصادی خواهیم پرداخت. چقدر این نظریه به واقعیت نزدیک است؟**

چه سازی و چگونه؟ عالم سیاست عبارت از این است که صلح و سازش را بر اساس موازنه برقرار کنید نه بر اساس تسلیم شدن. این مطلبی نیست که من از خودم در بیاورم. آدم های باسواد یا از طریق مطالعه تاریخ روابط انسان ها و یا در تجربه عملی روابط کشورها این حقیقت را می شناسند و من در بخش های پیشین در این باره زیاد گفته ام. طرف مقابل اگر ببیند شما قوی هستید به شما زور نمی گوید. اگر ضعیف باشید کسی برای سازش دنبال شما نمی آید چون مرگ برای ضعیف امری طبیعی است و هر قوی اول ضعیف شد و آنگاه مرد.

**پس می توان گفت عالم سیاست عالم لطف و محبت نیست دقیقاً. آقایان متوجه می شوند ما هر چه داریم تحویل دشمنان اسرائیل هم یا ما صلح کند اما به محض این که اسرائیل بفهمد در چنته ما هیچ چیزی نیست همین فردا حمله می کند و در واقع چیزی که جلوگیری می کند از این حمله همین ترس آن هاست. صلح در عالم امروز ناشی از ایجاد موازنه با باز دار ندگی است.**

**اما الان جمهوری اسلامی ایران حداقل ۱۲ سال است که روی مسئله هسته ای مقاومت و مذاکره می کند. این زمان و هزینه ای که داشتیم و فشارهایی که تحمل کردیم آیا باعث قدرت ما شده و توانستیم در منطقه و دنیا از این قدرت استفاده کنیم؟ هزینه و فایده این اقدام چقدر به سود ما بوده است؟**

اولاً این مقاومت کار بسیار خوبی بوده این مقاومت و ثانیاً اینکه صدر صد به نفع ما در منطقه بوده است. شما ببینید که اگر وضعیت ما این گونه نبود، آیا آمریکا عربستان را کنار می گذاشت و با شما در مورد مسائل خاور میانه صحبت می کرد؟ علت همان قدرتی است که شما نشان دادید در منطقه حضور و نفوذ در دست کردید تا کسانی بیایند و برای کسب رضایت شما به مذاکره بپردازند. هیچ ملتی پیدانمی شود که سرمایه گذاری استراتژیک برای بالابردن موازنه ها با دیگران را به حساب «سود» یا «زیان» اقتصادی بگذارد. حاصل این گونه سرمایه گذاری دوام و بقای چند صد ساله و مقتدرانه شما است که در پناه آن می توانید وضعیت اقتصادی خود را هم اعتلا دهید. این مطالب را من نمی گویم. این ها اصول اولیه ثابت شده علم اقتصاد و مطالعات استراتژیک صلح و امنیت جهانی است. اگر شما ابهت دفاعی خود را از دست دهید خاک کشورتان را توبه می کنند. مگر ما این اندیشه ما لخیو لیاپی را در دولت موقت انقلاب اسلامی به آزمون نگذاشتیم و هشت سال و حشانه ترین دشمنی ها را برای ملت خود تضمین نکردیم؟

**بحثی که مطرح می کنند این است که به جای این همه هزینه در حوزه هسته ای به سمت هزینه در حوزه اقتصادی می رفتیم**



و تحریم های اقتصادی ریشه این صنعت را در ایران بخشکاند. ولی اکنون که پس از چندین سال مذاکرات دشوار و شکننده در عین تهدید های نظامی و تحریم های کمر شکن اقتصادی می رود اسرائیل را نسبت به ریشه کن شدن صنعت هسته ای ایران ناامید کند مجدد می بینیم که تعلیق کنندگان داخلی غنی سازی اورانیوم دوباره به صدر آمده می کوشند فرزندان ایران را قانع کنند که «ما به انرژی هسته ای نیاز نداریم» این صنعت و این امکان اعتلا دهنده موقعیت ژئواستراتژیکی ایران در رقابت های ژئوپلیتیکی منطقه به دست خود ایرانیا ن ریشه کن شود.

**بالاخره داشتن این فناوری که شاخص قدرت است می تواند برای ما دشمن ساز باشد زیرا مرزهایی را می شکنیم که آنها نمی خواهند ایران اسلامی از این مرزها عبور کند.**

آن هایی که برای قریب ملت ایران استدلال می کنند که توسعه صنعت هسته ای در ایران سبب دشمن تراشی می شود، کسانی هستند که در ابتدای انقلاب اسلامی و دولت موقت هم استدلال می کردند که چون ما دشمن خارجی نداریم نیازی به ارتش و قدرت دفاعی هم نداریم و توان دفاعی کشور را مرخص کرده و در عمل دشمن خارجی بعضی را تشویق به حمله نظامی به خاک کشور کردند و هشت سال خونریزی و برادر کشی. این آدم ها کسانی هستند که علیرغم آن همه تظاهر به روشنفکری در کار کشور داری حتی از اطلاعات اولیه مربوط به موضوع، یعنی صرف اعلام استقلال و برقراری مرز با دیگران، شما بقیه جهان را به رقابت و دشمنی دعوت کرده اید. اینها آدم هایی هستند که علیرغم آن همه ادعاهای پوشالی روشن اندیشی حتی نمی دانند که در عالم کشور داری در عصر مدرن بته یک کشور به کوچکی قطر و ابوظبی نمی توانید نشان دهید که دشمن خارجی نداشته باشد.

**به هر صورت برخی معتقدند که ایران در بحث غنی سازی یا فضایی باید نژوژی انقلابی به سطوح بالایی از فناوری و نفوذ رسیده است، و این هادی می تواند باعث افزایش دشمنان باشد.**

طرح چنین بحث هایی برای کسی که در قلب دنیای علم عصر مدرن بته آموز شده است حقیقت غیر قابل هضم است. با چنین سوالی شما، یا به عبارت بهتر این روشنفکران سنتی چه می خواهند بگویند؟ آیا حرف این ها غیر از این است که ما «کشور ایران» برای این که دشمن خارجی نداشته باشیم دست از زندگی اقتصادی قرن بیست و یکم برداریم و هر همسایه ای هر چه از ما بخواهد به او تحویل دهیم تا دشمن خارجی نداشته باشیم چه می خواهید بگویند. از این روشنفکران سنتی باید پرسید وقتی در دولت موقت خود توان دفاعی کشور را مرخص کردید صدام حسین دست از دشمنی ما برداشت؟ آیا وقتی شما غنی سازی اورانیوم را برای دو سال و اندی متوقف کردید دشمنان خارجی که فکر می کنید ندارید از تهدید نظامی و تحریم اقتصادی ایران خود داری کردند؟ آیا بر اساس همین شیوه حیرت انگیز روشنفکری سنتی مسئول قول و قرار های خیانت بار با شیوخ ابوظبی از طریق شیخ سابق قطر برای دادن جزایر تنب و ابوموسی نبوده و نیست؟ آیا همین شیوه حیرت انگیز روشنفکری سنتی مسئول قول و قرار های پنهانی معاونت پژوهشی وزارت خارجه دولت هفتم از طریق مشاور غیر ایرانی وزیر خارجه ایران با شیخ سابق قطر و مامورش در شورای همکاری خلیج فارس برای تغییر رسمی نام خلیج فارس در تهران نبوده است؟ تا کی ما باید این نتیجه های دلخراش روشنفکری سنتی را به چشم خود دیده و خود را به ندیدن بزنیم و همچنان این رفتار ضد ایرانی را نادیده انگاریم؟

**اما عده دیگری از کارشناسان بر خلاف نظر شما می گویند ما اگر غنی سازی را تعطیل کنیم مشکل حل می شود و آنها دیگر دشمنی نمی کنند. پس جواب اینها چیست؟**

من گمان می کنم به تفصیل سرهای پنهان نگاه داشته این هیولای فکری را آشکار کرده باشم و نیازی به تکرار گفته هانمی بینم. این حضرات ممکن است فکر کنند از سیاست چیزی می دانند اما قطعاً جغرافیای سیاسی نمی دانند. همین که شما یک کشور هستید و مرز دارید و مستقل هستید عده زیادی را دشمن در ست کرده اید. دشمنی ورزیدن افراد و یا ملت ها نسبت به هم

